

هموطنان گرامی:

آقای رجوی در تعقیب سیاستهای خائنانه، اینک جهت انتقام گیری از اینجانب هادی شمس حائری، همسر و دو فرزند مرا همراه با دو تن از اعضا فرقه و یک وکیل گران قیمت بدادگاهی در شهر کلن آلمان فرستاد تا با صرف هزینه و انرژیهای بسیار که علیالقاعده و طبق ادعای رجوی میبایست در راه مبارزه با خمینی بکار رود، مانع دسترسی من به فرزندانم گردد. شیوهها و شرکدهای بکار گرفته شده در دادگاه و اظهارات وکیل اوج دشمنی و کینه رجوی با منتقدین خود، بجای آخوندها و نیز وسیله قراردادن همسر و فرزند و بی توجهی به سرنوشت کودکان ربوده شده توسط ایشان است همسر اینجانب که رجوی معتقد است بعلت توهین به ساحت مقدس رهبری (!) بر من حرام گردیده و فتوای طلاق را در مورد ما صادر نموده است از جانب رجوی ماموریت داشت که در دادگاه اظهار کند "من ماهیانه ۱۲۰۰ مارک از مجاهدین حقوق میگیرم" اعلام درآمد فقط بخاطر این بود که دادگاه قانع شود که مادر میتواند از پس مخارج کودکانش برآید. رجوی از طرفی اعلام میکند که اعضا من از همه مال و منال و ثروت و مکت خود گذشته و پاکبازانه و آگاهانه و بدون ذره ای چشم داشت و طمع دنیوی رو بسوی من آورده و از جان و مال خود دریغ نمیکنند، از طرفی در دادگاه اظهار میدارد که ما به اعضا خود حقوق میدهیم لابد سر من کلاه رفته که ۱۵ سال مجانی برای رجوی کار کردم، بهرحال دو نفر از اعضا فرقه که لابد آنها هم حقوق بگیرند فقط به این دلیل همراه همسر من بدادگاه آمده بودند که مانع تماس ما با یکدیگر گردند. وقتی دختر دهساله ام را ناگهان در کنار خود دیدم، او را پس از ۳ سال بوسیدم، یکی از اعضا فرقه با چشم غره ای که به طفل معصوم رفت باعث وحشت او شد.

با توجه باینکه همسر من با عضویت در فرقه رجوی وقت هیچگونه سرپرستی و رسیدگی به کودکانش را نداد، اما مانع شد از اینکه دادگاه سرپرستی فرزندانم را بمن بسپارد. رئیس دادگاه از مادر سوال کرد شما چگونه میتوانید با کار تمام وقت در یک حزب به بچه ها نیز رسیدگی کنید، ما در جواب داد یک برای من بچه ها هستند. (تا جائیکه من بخاطر دارم، همیشه در سازمان یک رهبری بوده) اما وقتی که رئیس سوال کرد که طبق گزارشات شما ماهی یکبار فرزندانتان را می بیند، بدون جواب بر جای ماند. وکیل آقای رجوی در دادگاه مرا متهم نمود که شما با رژیم جمهوری اسلامی همکاری میکنید، باو گفتم چه دلیلی دارید، وکیل گفت اطلاعیه شما را روزنامه انقلاب اسلامی آقای بنی صدر چاپ نموده و ایشان با رژیم سر و سری دارد و قبلا پرزیدیت خمینی بوده، وقتی که در جواب باو خندیدم متوجه شد که رجوی چه کلاهی سرش گذاشته و چه مدرک بی پایه ای را باو یاد داده است (وکیل آلمانی بود و از ایران چیزی نمیدانست) لذا ساکت شد و چیزی نگفت به رئیس دادگاه گفتم اما برای آنکه شما در جریان قرار گیرید، گروه رجوی همه مخالفین خود را متهم به همکاری با رژیم مینماید و یکی دو مورد هم نیست بلکه از دهها مورد گذشته است، سپس ادامه دادم، من هیچ اختلافی با همسر ندارم الا اینکه من از فرقه جدا شدم و او مانده است و این هیچ ربطی به زندگی ما و سرنوشت بچه ها ندارد، اگر سازمان پایش را کنار بکشد ما میتوانیم در همه زمینه ها با یکدیگر صحبت کرده و به توافق برسیم، اما پشت قضیه یک سازمان تفرقه انداز و پولدار که همه چیز را بهم میریزد رئیس سوال کرد شما همسران را طلاق دادید گفتیم خیر و هنوز حاضریم با او زندگی کنم، او عقیده خود را داشته باشد و من عقیده خود را، سرنوشت بچه ها و وجود پدر و مادر برای آنها از هر چیزی مهمتر است، اما او دستور تشکیلاتی دارد که مرا طلاق دهد. رئیس دادگاه از مادر سوال کرد آیا شما مانع ملاقات کودکان با پدرشان میشوید مادر گفت آنها آزادند و خود تصمیم میگیرند. رئیس گفت دختر دهساله چگونه آزاد است و خودش تصمیم میگیرد، اگر روزی مدرسه نرود شما میگوید خودش تصمیم میگیرد و آزاد است یا او را تشویق به رفتن مدرسه میکنید، اما متأسفانه مادر جوابی نداشت که بدهد.

هموطنان عزیز: حضور همه ما از پدر و مادر و فرزند، اعضای یک خانواده و وکیل و دو نفر از افراد رجوی در راهروی دادگاه و دو ماشین سواری و تعداد دیگری که در پایین ساختمان گشت میدادند، تمامیت ایدئولوژی رجوی را به نمایش گذاشته بود ایدئولوژی تفرقه و نفاق و کینه و دشمنی و فشار و ارباب را رجوی با پول زیاد و امکاناتی که به ینما برده است فقط میتواند آنها را در راه براندازی و روبرو قراردادن اعضا خانواده بکار اندازد و ابتکار مبارزه با رژیم را از دست داده و بسا تلاش بشدت مذبوهانه سعی در نگهداشتن چند عضو بریده و منفعل خود میکند.

رای دادگاه هر چه باشد و بچه ها را بمن بدهند یا ندهند، این پرونده سیاه رجوی است که در تاریخ بایگانی خواهد شد.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

هادی شمس حائری ۹۴/۶/۱

Address:

P.B. 70179

9704-AD

GRONINGEN-HOLLAND